

Controversy for subject and authority The application of psychoanalysis in political science According to Lacan's Thoughts

Reza Sarhaddi (Ferdowsi University of Mashhad, sarhaddighahri@mail.um.ac.ir)

Mahdi Najafzadeh (Ferdowsi University of Mashhad, m.najafzadeh@um.ac.ir)

Seyyed Hossein Athari (Ferdowsi University of Mashhad, athari@um.ac.ir)

Morteza Manshadi (Ferdowsi University of Mashhad, manshadi@um.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2021/5/1

Accepted: 2021/6/23

Key Words:

Psychoanalysis,
Political Science,
Lacan,
The Imaginary,
The Symbolic,
The Real,
Revolution

ABSTRACT

The psychoanalysis of Jacques Lacan's thought transcended the boundaries of his field, overshadowing the social, literary, and cinematic arenas. This process shows that psychoanalysis will no longer be reduced to an individual mentality and will continue to expand. Also, political science has come up with new theories that "the personal is political", and its concern is no longer just government, comparative politics, and the constitution. With the relationship between power and knowledge that came with Michel Foucault's thoughts, we can no longer impose limits on politics. This article attempts to interconnect the gradual expansion of the two fields. This article tries to bridge the gradual expansion of the two disciplines and open a new horizon for political science. This horizon is associated with presenting a new narrative of society's identity processes by investigating the acceptance or avoidance of other identities through the use of an Imaginary Order and Identification. Beliefs in the symbolic order will lead to the transition from formal political institutions to a system of signs to examine the subjugation of subjects and to explain identity conflicts. Contrary to structuralism, the use of real order, trauma, and fantasy lead to the acceptance that a revolution can be created. Finally, presenting a complex and delicate narrative of the issue of the subject-authority relationship while studying political phenomena can breathe new life into political theory and sociopolitical analysis.

جدال سوژه و اقتدار

کاربرد روانکاوی در علوم سیاسی با نظر به آرای ژاک لاکان

رضا سرحدی (نویسنده مسئول، دانشگاه فردوسی مشهد؛ sarhaddighahri@mail.um.ac.ir)

مهدی نجف‌زاده (دانشگاه فردوسی مشهد؛ m.najafzadeh@um.ac.ir)

سیدحسین اطهری (دانشگاه فردوسی مشهد؛ athari@um.ac.ir)

مرتضی منشادی (دانشگاه فردوسی مشهد؛ manshadi@um.ac.ir)

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲

واژگان کلیدی:

روانکاوی،

علوم سیاسی،

لاکان،

ساحت خیالی،

ساحت نمادین،

امر واقع،

انقلاب،

فانتزی

روانکاوی در اندیشه ژاک مری امیل لاکان مرزهای رشته خود را درنوردید و بر عرصه اجتماعی، ادبیات و سینما سایه انداخت. دیگر روانکاوی به ذهنیت فردی تقلیل نمی‌یابد و گسترش آن نیز ادامه خواهد داشت. از طرفی دیگر، علوم سیاسی با نظریات جدید در این مسیر که: «هر امر شخصی، امر سیاسی است» قرار گرفته و دغدغه آن دیگر تنها حکومت، سیاست مقایسه‌ای و قانون اساسی نیست. با برقراری رابطه دانش و قدرت که با آرای میشل فوکو پا گرفت، دیگر حد و مرزی برای سیاست نمی‌توان قائل شد.

این مقاله تلاش دارد تا فراخ‌دامنی تدریجی دو رشته را به هم پیوند بزند و افق جدیدی فراروی علوم سیاسی بگشاید. این افق با ارائه روایتی نوین از فرایندهای هویت‌یابی جامعه با بهره‌گیری از ساحت خیالی و انطباق هویت جهت بررسی پذیرش یا روگردانی از هویت غیر همراه است. باورمندی به ساحت نمادین موجب عبور از نهادهای رسمی سیاست به نظام نشانه‌ای برای بررسی مطیع کردن سوژه‌ها و تبیین نزاع‌های هویتی خواهد شد. بهره‌گیری از ساحت واقع، تروما و فانتزی این دستاورد را به همراه دارد تا برخلاف ساختارگرایان بپذیریم که می‌توان انقلاب را ایجاد کرد. سرانجام ارائه روایت پیچیده و ظریف از مسئله رابطه سوژه و اقتدار و حفظ هم‌زمان آن‌ها برای بررسی پدیده سیاسی می‌تواند نظریه سیاسی و تحلیل سیاسی-اجتماعی را جان تازه‌ای بخشد.

مقدمه

مسائل قرن حاضر آن قدر عمیق هستند که پژوهش و آموزش باید به بررسی، مطالعه و حل مسائل جدید پردازد. به دیگر سخن، اهمیت فزاینده موضوعات مربوط به ماهیت پیوند انسان و نظام‌های بیوفیزیکی به افزایش پیچیدگی نظام‌های سیاسی-اجتماعی منجر شد که خود چالش جدیدی در نظام علمی برای فهم مسائل ایجاد کرده است؛ از این رو در دهه‌های اخیر توسعه تلفیقی برونداهای پژوهشی، بخشی از دغدغه‌های بنیادین جوامع علمی شده است.

به عبارت دیگر، مرزهای روش‌شناختی، معرفتی و هستی‌شناختی در هم شکسته و مانع درک مشترک موضوعات پیچیده شده‌اند. این تحولات به افزایش دامنه پژوهش‌های بینا رشته‌ای منجر شده است. بینا رشته‌ای پیشرفت به شمار نمی‌آید؛ بلکه نشانه‌ای از وضعیت آسیب‌شناختی است که در آن دانش نظری انسان یافت می‌شود و به مثابه فرایندی از وساطت طبیعی در راستای خطوط بین فرهنگی، وابسته به هم، درون شبکه‌ای، تقاطعی و بین‌ذهنی فهم می‌شود. به عنوان مثال، مسائل مردم‌شناختی در رشته خاصی قرار نمی‌گیرند و از ماندن در درون مرزها خودداری می‌کنند. فعالیت بینا رشته‌ای، برخلاف فعالیت رشته‌ای که یکنواخت و خطی است، غیرخطی، شبکه‌ای و چرخه‌ای است (فاضلی و کوشکی، ۱۳۹۵: ۵-۶).

با چنین نگاهی، این مقاله در تلاش است تا رویکرد بینا رشته‌ای میان علوم سیاسی و روانکاوی برقرار کند. روانکاوی را می‌توان یک دانش تاریخی و سیاسی نامید؛ زیرا بنیاد آن بر کلامی‌سازی تاریخچه زندگانی فرد، به گونه‌ای که آن را تجربه کرده است و تفسیر و تحلیل آن استوار است؛ یعنی از یک سو، حادثه‌هایی را که در عالم واقع رخ داده است به ساحت نمادین (کلامی) رهنمون می‌سازد و از دیگر سوی، تأکیدش بر فاعل تجربه‌گری (سوژه) است که رخداد را از منظر خویش و به منزله ایفاگر نقش در تاریخچه زندگانی‌اش تجربه می‌کند. در دانش علوم سیاسی نیز این دو مؤلفه حضوری پررنگ دارند. نخست آنکه ما با روایت، تبیین، تفسیر و تحلیل پدیده‌های سیاسی روبه‌رو هستیم، فرایندی که با رهنمون‌سازی امر واقع به ساحت نمادین (کلامی) مواجه است؛ دوم اینکه فاعل تجربه‌گر (سوژه)، در مقام ایفاگر نقش

سیاسی، اهمیت بسزایی در بررسی یک پدیده سیاسی دارد. این اهمیت در رهیافت‌های متأخر علوم سیاسی و عبور از امر سیاسی محدود به دولت و حکومت به امر سیاسی فراگیر که هر امر شخصی را سیاسی می‌داند (های، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۷) فراگیرتر شده است.

بدین سان، این مقاله روانکاوی و علوم سیاسی را از نظر مفهومی به هم نزدیک می‌داند و تلاش دارد تا حیطه یکسانی از کار عملی آنها ارائه دهد. در انداختن روانکاوی در مباحث علوم سیاسی به فریبه‌تر شدن علوم سیاسی منجر خواهد شد. تلاقی دو دانش علوم سیاسی و روانکاوی، که از حیث طبقه‌بندی و روش‌شناسی^۱ علم، مبحثی میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود، افق‌های نوینی را هم در تحلیل سیاسی و هم در روانکاوی سیاسی می‌گشاید و این دو حیطه سترگ علمی را فضایی می‌بخشد که هم در نظر و هم در عمل راهگشا خواهد بود.

افزون بر این، از آنجاکه به این مبحث میان‌رشته‌ای در ایران به گونه‌ای جدی و روشمند پرداخته نشده است، این نوشتار می‌کوشد با مروری کلی بر آرای لاکان، توانمندی‌های این رویکرد را در علوم سیاسی به بحث بگذارد. بنابراین تلاش می‌شود تا پس از معرفی کوتاه لاکان، مجموعه‌ای از ایده‌های اصلی او با علم سیاست به منظور تبیین پدیده‌های سیاسی پیوند زده شود.

۱. ادبیات تحقیق

پژوهش‌های علمی درباره روانکاوی و سیاست عمدتاً جدید محسوب می‌شوند. اغلب پژوهش‌های جدید از طریق به‌کارگیری نظریات روانکاوی، تغییرات سیاسی و فرهنگی جوامع را بررسی می‌کنند. مجموعه مقالاتی با عنوان ژاک لاکان میان روانکاوی و سیاست بر این فرضیه پافشاری می‌کند که حرکت لاکان در روانکاوی به سمت ساختارگرایی زبانی (فردینان دو سوسور^۲ (۱۸۵۷-۱۹۱۳) و رومن یاکوبسن^۳ (۱۸۹۶-۱۹۸۲)) زمینه‌ساز برداشت متفاوتی از فروید شده است که برای مطالعه مکانیسم‌های سیاسی-اجتماعی جامعه مفید است.

لاکان بدون اینکه ناخودآگاه را در مرتبه پایین‌تری قرار دهد بر

1. Methodology

2. Ferdinand de Saussure

3. Roman Jakobson

ذات‌زدایی از سیاست دانسته می‌شود و زمینه‌های توضیح‌شکلی از دموکراسی رادیکال را به وجود می‌آورد که ساحت نمادین و بازنمایی در آن نقش اساسی را ایفا می‌کند (خالقی دامغانی و ملک‌زاده، ۱۳۹۴).

۲. یافته‌های تحقیق

۲-۱. نظریه روان‌کاوی لاکان؛ سوبژکتیویته لرزان

ژاک مری امیل لاکان^۶ (۱۹۰۱-۱۹۸۱) پزشک و روان‌کاو فرانسوی بی‌تردید مهم‌ترین روان‌کاو پس از زیگموند فروید^۷ (۱۸۵۶-۱۹۳۹)، بنیان‌گذار و پدر روان‌کاوی است (هومر، ۱۳۹۴: ۱۱).

فروید در تمام آثار خود دو نظریه به‌نوعی متباین در باب «مَن» به دست می‌دهد، برحسب یکی، کنش اصلی مَن پرداختن به واقعیت از طریق ادراک و آگاهی است؛ برحسب دیگری، «مَن» در پیوند با امیال ناخودآگاه ساختار می‌پذیرد. درک لاکان از «مَن» و هویت، بیشتر با مَن در پیوند با امیال ناخودآگاه تبعیت می‌کند. او اعتقاد دارد که ما حقیقتاً یک دنیای واقعی را ادراک می‌کنیم، اگرچه این دنیای واقعی همواره به زبان توهم و میل^۸ فهم می‌شود (ایستوپ، ۱۳۹۰: ۸۴)؛ بنابراین روان‌کاوی خود را علیه روان‌شناسی «مَن نَفْسانی» پایه‌گذاری کرد (مُوللی، ۱۳۸۷: ۱۷).

کار لاکان به طرز عمیقاً بحث‌برانگیز روان‌کاوی را هم در مقام نظریه ذهن ناخودآگاه و هم در مقام فعالیت بالینی دگرگون کرده است. اکنون بیش از ۵۰ درصد روان‌کاوان دنیا از روش‌های لاکانی استفاده می‌کنند. در عین حال تأثیر لاکان در فراسوی دیوارهای اتاق معاینه بین اندیشمندان روان‌کاوی مدرن بی‌نظیر است. تفکر لاکانی امروزه در رشته‌های مطالعات ادبی و سینمایی، مطالعات زنان و نظریه اجتماعی نفوذ کرده است و در حوزه‌های گوناگونی مانند آموزش و پرورش، مطالعات حقوقی و روابط بین‌الملل به کار می‌رود. پس از جوش و خروش‌های اولیه خوانش‌های فرویدی و پسا فرویدی در ادبیات (شکل کلاسیک روان‌کاوی) نقد روان‌کاوانه به روال فروکاهنده تشخیص‌الگوهای ادیبی و یافتن نمادپردازی‌های «فالوسی» در متن نزول کرد؛ اما لاکان با این تئوری که «ناخودآگاه

زبان به‌عنوان پایه ارتباطات اجتماعی و ثبت واقعیت‌ها تأکید می‌کند که به علت بازنمایی، جنبه سیاسی به خود می‌گیرد. این اندیشه‌ها بر مکتب فرانکفورت و تئوری‌رهای آنها تأثیر گذاشته است (Tomsic & Zevnik, 2015). والتر دیویس^۱ در کتاب هنر و سیاست؛ روان‌کاوی، ایدئولوژی و تئاتر به بررسی رابطه هنر و سیاست می‌پردازد. به عقیده او هنری که جریان اصلی را به چالش می‌کشد، در جهت برجسته کردن و حفظ ساحت نمادین دولتی سرکوب می‌شود (Davis, 2006).

استفان فروش^۲ در کتاب روان‌کاوی سیاسی، روان‌کاوی را محصول اواخر قرن نوزدهم در اروپا می‌داند که تأثیرات عمیقی را بر اندیشه‌های قرن بیستمی نظیر داروینیسیم و مارکسیسم گذاشته است. در اندیشه او روان‌کاوی با لاکان و تئوری ساحت نمادین او وارد حوزه‌های سیاسی همانند فمینیسم به‌عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم و پیکربندی بر سازنده جنسیت^۳ شده است. این تئوری نه تنها بر ساخت جنسیت بلکه کلیه شیوه‌های سنتی تفکر در طبیعت انسان را به چالش کشیده است (Frosh, 1999).

با وجود گسترش مطالعات علمی درباره رابطه روان‌کاوی و سیاست در غرب در طی سال‌های اخیر، در کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه ایران چنین تحقیقاتی در مراحل ابتدایی قرار دارد. تاجیک در مقاله «روان‌کاوی و سیاست»، عصر ما را عصر شالوده‌شکنی و لاکان را اندیشمندی بنیان‌برانداز فهم کرده است. وی معتقد است که روان‌کاوی آمیختگی با مارکسیسم را تجربه کرده و تلقی تازه‌ای از نحوه شکل‌گیری سوژه‌ها در ایدئولوژی‌های مختلف به دست می‌دهد؛ از این رو لاکان به همراه لوئی آلتوسر^۴ و میشل فوکو^۵ مثالی را تشکیل می‌دهند که ویژگی نظری آنها ضد اومانیسیم است. همچنین بسیاری از نحل‌های پسا ساخت‌گرا، پسامدرن و پسا مارکسیسم از اندیشه‌های لاکان تأثیر پذیرفتند (تاجیک، ۱۳۸۶).

خالقی دامغانی و ملک‌زاده نیز در قسمت کوتاهی از مقاله «سیاست، پایدیا و دولت؛ امر سیاسی و بنیان بین‌ذهنی آن»، به مبحث «لاکان و امر سیاسی» اشاره می‌کنند. امر سیاسی لاکانی

6. Jacques Marie Émile Lacan

7. Sigmund Freud

8. desire

1. Walter A. Davis

2. Stephen Frosh

3. Gender

4. Louis Althusser

5. Michel Foucault

علوم سیاسی دارند. او فرایند اجتماعی شدن سوژه را در پیوند با ساختمان نَفسانی آن در قالب «ساحت خیالی»،^۸ «ساحت نمادین»^۹ و «ساحت واقع»^{۱۰} می‌داند. این سه‌گانه ایده روان‌کاوی لاکان را شکل می‌دهند (تاجیک، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۹). این سه ساحت، واقعیت وجودی انسان هستند و وجود نَفسانی آدمی قائل به آنهاست (احمدی، ۱۳۹۳: ۹۱). چنین نگاهی به سوژه، تمایل به درک و پذیرش مکانیسم‌های ارگانیک و سلسله‌مراتبی در انسان را زیر سؤال می‌برد (Lacan, 2005: 109).

ساحت خیالی مجموعه‌ای است مبتنی بر رابطه تحریف‌آمیز آدمی با عالم، و آدم و تصویر، خصوص اصلی آن را تشکیل می‌دهند. ساحت نمادین به‌طور اعم بر زبان تکلم و به‌طور اخص بر اسم دلالت متکی است. ساحت واقع نیز وجهی است اساسی از وجود آدمی که افق و محدوده واقعیت خاص او را تعیین می‌بخشد. این تعیین به نحوی است که از حیظه ساحت نمادین برون فکنده شده و قابلیت نامیدن از آن سلب شده است. لاکان پیوند و رابطه اساسی نَفس آدمی را چنین تعریف می‌کند: «زنجیری متشکل از سه حلقه به‌نحوی که اگر یکی از حلقه‌ها را از آن جدا کنیم، دو حلقه دیگر از هم باز شده و تشکل خود را از دست بدهند». این پیوستگی را در علم هندسه موضعی گره بُرومه^{۱۱} می‌خوانند. لاکان پیوند این سه دایره متداخل را از ریاضیات وام گرفته است.^{۱۲}

8. The Imaginary order
9. The Symbolic order
10. The Real order
11. Borromean Knot

۱۲. لاکان در سیر خود علاقه‌ای جدی به شاخه‌های گوناگونی از رشته‌های ریاضی و صوری نشان داد. این امر به دهه ۱۹۴۰ و به کارگیری نظریه بازی در «زمان منطقی و دعوی یقین مورد انتظار» برمی‌گردد. چرخش به سمت ساختارگرایی در انتهای دهه ۱۹۴۰ و ابتدای دهه ۱۹۵۰، این گرایش‌های صورت‌گرایانه را تشدید و لاکان در دهه ۱۹۵۰-ته‌تها از نظریه بازی، مردم‌شناسی لوی-استروسی و واج‌شناسی یا کوبوسنی، بلکه از تاریخ ریاضیات و مکان‌شناسی (topology) نیز استفاده کرد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نمودارها، منحنی‌ها و نمادپردازی‌های هرچه بیشتری چاشنی سخنرانی‌ها و نوشته‌های لاکان شد که این امر نشان از تمایلی شدید و استوار به صوری سازی بود. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و به‌ویژه در دهه ۱۹۷۰ مباحث منطقی، مکان‌شناسی و نظریه گره (knot theory) ویژگی‌هایی برجسته (و گاه غالب) در گفتار لاکانی بود. در مورد لاکان، می‌توان دهه ۱۹۷۰ را دهه «matheme» دانست که نو واژه لاکان برای یک واحد صوری سازی (به معنای نمادپردازی ریاضی‌وار) است و اهمیت مرکزی یک مفهوم-واژه مشخص روان‌کاوی لاکانی را در خود تلخیص و تثبیت می‌کند. لاکان امیدوار بود از این راه مانع سوء تفسیرهایی از اندیشه خودش شود که ظاهراً اکثر پسا‌فرویدیان غیر لاکانی، به سبب استفاده فروید از زبان طبیعی، در مورد او دچار شده بودند (جانستون، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳).

ساختاری مشابه زبان دارد» یکی از مهم‌ترین نظریات خود را پایه گذاشت و جنبه جدیدی به روان‌کاوی بخشید. در اندیشه او قواعد زبان بر نحوه شکل‌گیری ناخودآگاه تأثیر می‌گذارد. اجزای ناخودآگاه که شامل امیال، تصاویر و خواسته‌ها می‌باشد همگی دلالتهای هستند و به‌واسطه زبان بیان می‌شوند (پاینده، ۱۳۸۸: ۳۴).

لاکان نظریه‌ای اساساً جدید از سوژکتیویته ارائه می‌دهد. او برخلاف بیشتر پسا‌ساختارگرایانی که به دنبال واسازی^۱ و حذف مفهوم سوژه انسانی هستند، مفهوم سوژکتیویته را بسیار مهم می‌داند و به کاوش در معنای سوژه بودن، نحوه سوژه شدن فرد، عوامل شکست در سوژه شدن (که به روان‌پریشی می‌انجامد) و امکانات روان‌کاوی در القای «رسوب سوژکتیویته»^۲ می‌پردازد (فینک، ۱۳۹۷: ۱۳). نزد او «مَن، انسان مدرن» در رنسانس هستی‌گرفتن آغاز کرد. دکارت^۳ انسان مدرن را در ظرفیتش برای شک کردن به خودش پایه‌گذاری کرد؛ ولی برای لاکان این خودآگاهی ژرف‌اندیش، روایتی فریبکار از آرمان مَن به دست می‌دهد (ایستوپ، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

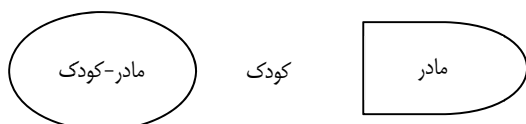
سوژه در اندیشه لاکان به دلیل جدایی از مادر و میل برای ابژه گمشده دست‌نیافتنی به‌طور هم‌زمان معادل فقدان^۴ (رایت، ۱۳۹۵: ص ۶۰) و پس‌مانده^۵ در همه اشکال سوژه شدن است. به همین دلیل است که \$ (سوژه تهی و خط‌خورده) همان علامت لاکانی برای سوژه است. به عقیده لاکان، سوژه نمی‌تواند در متن نظام نمادین (زبان، فرهنگ و جامعه) نام خود را بیابد یا به این‌همانی و هویت هستی‌شناختی کامل دست یابد. با استفاده از عبارتی از لاکان، می‌توان گفت، سوژه همواره در مقام «استخوانی گیرکرده در گلوی دال»^۶ باقی می‌ماند (ژیژک، ۱۳۸۴: ۱۷). سوژه بین اگر^۷ (مَن نَفسانی) و ناخودآگاه، بین آگاهی و ناخودآگاه، بین حس کاذب محتوم از خود و کارکرد خودبه‌خود زبان (زنجیره دلالت) در ناخودآگاه تقسیم شده و سوژه شکافته است (فینک، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

لاکان برای توصیف اجتماعی شدن سوژه از اصطلاحاتی منحصربه‌فرد استفاده می‌کند که هرکدام کاربرد جداگانه‌ای در

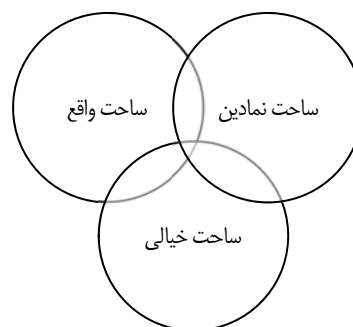
1. deconstruction
2. precipitation of subjectivity
3. René Descartes
4. lack
5. left-over
6. signifier
7. Ego

در مقایسه با حس ناچور و تقریباً مستانه بی‌مکانی که اطفال در درون بدنشان احساس می‌کنند، این تصویر درون‌آینه به کودک تصویری سر راست و معتدل از خودش می‌دهد، تصویری از بدنی کاملاً هماهنگ و وحدت‌مند. طی این فرایند، این تصویر، رشد و پیشرفت آتی کودک را مهیا می‌کند و به او حس لذت‌بخش انسجام یا به تعبیر دیگر، استقلال آن از جهان پیرامون را می‌دهد (Lacan, 2005: 1-3). از همین رو همواره خواهد کوشید تا دیگری را با خود یکی کند و حتی پس از ورودمان به سنین بزرگسالی هم نفس این خصلتش را از دست نمی‌دهد. نفس به بخشی از ما تبدیل می‌شود که همیشه در پی کلیت و وحدت است و می‌کوشد بر افتراقی فائق شود که او را در وهله نخست به وجود آورده بود. پس ساحت خیالی در کاربرد عام‌ترش نشانگر جست‌وجویی بی‌پایان در پی خود است، فرایند درهم‌آمیزی هرچه بیشتر نمونه‌هایی از همتاسازی و مشابهت به منظور تحکیم افسانه وحدت (مایرز، ۱۳۹۱: ۳۸-۴۰).

مرحله آینه از این جهت اهمیت دارد که کودک قبل از تولد در وحدت جسمانی با مادر است. این وحدت در هنگام تولد جای خود را به وحدت نفسانی بین کودک و مادر می‌دهد. رشد کودک فرایندی است به سوی استقلال روزافزون که با مرحله آینه‌ای آغاز می‌شود. مادر و کودک ناگزیر خواهند بود که رفته‌رفته از این وحدت دست شویند. هر مرحله‌ای از رشد حاوی حرمان (محروم شدن) است و ایجاب می‌کند که مادر و فرزند متقابلاً از دست دادن یکدیگر را بپذیرند (مُوللی، ۱۳۸۷: ۹۳). این فرایند جدایی، گسست از مرحله‌ای است که کودک پیوند نامتناهی با مادر خود و دنیا احساس می‌کند و قادر به تمایز خود با محیط پیرامونی نیست. مرحله آینه‌ای هنگامی است که گذار از خیال به ذهنیت، آگاهی و تمایز شکل می‌گیرد (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۶۲).



شکل شماره ۲: جدایی کودک از مادر در مرحله آینه‌ای



شکل شماره ۱: گره بُرومه^۱

عدم پیوستگی هریک از آنها موجب از هم پاشیدگی دو قطب دیگر می‌شود. هیچ حلقه‌ای زندانی حلقه دیگر نیست؛ درحالی‌که ایجاد برش در یکی از آنها موجب رهایی دو حلقه دیگر می‌شود. ساختمان نفسانی هر فرد آدمی موکول به نوع پیوندی است که بنا بر سرگذشت او میان این سه عنصر ایجاد می‌شود (مُوللی، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۹). با توجه به اهمیت سه ساحت خیالی، نمادین و واقع در نزد لاکان، جداگانه هریک از آنها را تشریح و سپس کاربرد آنها در علوم سیاسی ارائه می‌شود.

۲-۲. ساحت خیالی؛ بررسی فرایندهای هویت‌یابی در عرصه سیاسی

ساحت خیالی لاکان از مهم‌ترین مراحل رشد روانی سوژه است. امر خیالی نشانگر فرایندی است که طی آن، نطفه نفس یا من^۲ بسته و نفس زائیده می‌شود. معمولاً این فرایند «مرحله آینه‌ای»^۳ نامیده می‌شود. این مرحله که مهم‌ترین اتفاق در ساحت خیالی است، هنگامی آغاز می‌شود که انسان حدوداً طفلی شش‌ماهه است. همان‌گونه که لاکان یادآوری می‌کند، انسان نارس زاده می‌شود؛ بدین معنا که تا چند سال پس از تولد، قادر نیست حرکاتش را با هم مرتبط و هماهنگ کند. اطفال با هم‌ذات‌پنداری با تصویر خودشان در آینه است که بر این مسئله فائق می‌آیند (حال این آینه واقعاً آینه باشد و خواه «آینه» فردی دیگر).

۱. شکل فوق حاصل گرهی است بُرومه‌ای متشکل از سه حلقه زنجیر؛ چنان‌که به‌سادگی می‌توان ملاحظه کرد هر بار انسجام میان دو حلقه، بستگی به وجود حلقه سوم دارد.

2. ego

3. Mirror stage

است که به تدریج راست‌دستی یا چپ‌دستی شروع به تعیین می‌کند. ترانزیتیویسم نشان از قدرت جذب‌ه عظیمی است که تصویر در مورد فرد آدمی اعمال می‌کند و او را در قید و بند فریبندگی خود می‌آورد. در حدود سه‌سالگی کودک به حد کمال مرحله آینه می‌رسد. در این زمان دوگانگی و ثنویت جای خود را به تثلیث می‌دهد. رابطه من نفسانی با هم‌نوعان از این پس منوط خواهد بود به عامل ثالثی که همان تمنای غیر باشد. در این مرحله من نفسانی از آن رو به دیگری (غیر کوچک یا هم‌نوع) حسادت می‌ورزد که او را برخوردار از تمنای غیر می‌بیند (مُوللی، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۷).

انطباق هویت مکانیسمی است پیچیده که حاوی سه عنصر است. اولین عنصر تصویری است که فرد از خویش خویش دارد؛ دومین عنصر تصویری را شامل می‌شود که فرد از شخص مورد «تقلید» دارد و در نهایت مورد یا مطلوب انطباق، تشکیل‌دهنده سومین عنصر آن است (همان: ۱۵۸). در این فرایند نفسانی، فرد جنبه یا خصوصیتی را از شخص دیگر گرفته و سعی در انطباق خود با آن دارد. نخستین مدل انطباق برای کودک تصویر خود اوست در آینه؛ اما در ادامه، طفل به همان ترتیب که خود را با تصویر خویش منطبق می‌کند، در پی آن خواهد بود که با دیگر افراد نیز خود را انطباق دهد. من نفسانی در واقع حاصل عاریت خصوصیات افرادی است که شخص سعی در انطباق هویت خود با آنها دارد. باید توجه کرد که فرایند انطباق هویت با تقلید متفاوت است و ناشی از فرایندی آرزومندانه است. همچنین لاکان قائل به دو قسم انطباق هویت است: خیالی^۳ (تغییری نفسانی که طفل در پی کشف تصویر پیدا می‌کند) و انطباق هویت ترمیزی^۴ (مکانیسم اصلی انطباق هویت همراه با عنصر دیگری) (پیرکلرو، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۳).

انطباق هویت خیالی رابطه‌ای خیالی‌گونه است و من نفسانی مرجع اصلی آن را تشکیل می‌دهد. با تعهد به این چنین تصویری است که فاعل نفسانی طفل به صورت شتاب‌زده‌ای واجد موجودیتی ابتدایی می‌شود. این فرایند مقدم است بر دیالکتیک انطباق هویت با غیر که طی آن فرد حالتی عینی و خارجی به

اگرچه لاکان به آینه‌های واقعی اشاره می‌کند، ولی روشن می‌کند که این تمثیلی از بنیان گرفتن هویت است؛ زیرا آن آینه‌ای که برای ما اهمیت دارد، همانا دیگر مردمان‌اند. کودک با نگاه در آینه خطوط بدن خود که مرز او و جهان پیرامون است، خویش را نفسی جدا از «دیگری» تشخیص می‌دهد. کالبد منسجم و دارای مرزهای قابل تشخیص به او امکان می‌دهد تا دیگر تابع صرف محیط پیرامون نباشد؛ بلکه مختارانه بر آن محیط تأثیر بگذارد (پاینده، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۱).

این به شدت در تقابل است با حس خود او در مورد پیکرش که قطعاً تحت کنترل او نیست و به قول لاکان «گرفتار ناتوانی حرکتی و وابستگی کودکی» است. تکوین مرحله آینه‌ای را بین شش تا هجده‌ماهگی مشخص کرده‌اند و تکامل آن را تا حدود سه‌سالگی. وی در این مرحله به خوبی در می‌یابد که افراد بزرگسال واجد تسلط بر خود هستند و لذا به‌طور خیالی پیش‌دستی کرده و خود را به مانند آنها می‌نگرد و سعی در انطباق هویت^۱ با آنان دارد. انطباق هویت پایه و اساس تشکیل من نفسانی است (مُوللی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۳).

۲-۲-۱. انطباق هویت

انطباق هویت با دیگران از پیش شرط‌های اساسی برای ساختار بندی هویت آینده کودک است (Nobus, 1998: 112-113). انطباق هویت مکانیسمی است نفسانی که طی آن کودک بر آن می‌شود تا تصویر خود را با تصویر فرد مورد نظر خویش مطابقت دهد (مُوللی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). در وهله نخست کودک به ادراک تصویر نائل شده ولی هنوز قادر به تشخیص آن به‌عنوان تصویر خود نیست. پس از تشخیص کالبد خویش در آینه و ایجاد رابطه صوری با خویش خویش، وارد رابطه جدیدی با دیگر افراد هم‌نوع خود شده و سعی در تقلید از آنها دارد.

این نوع تقلید یا به عبارتی فنی‌تر این‌گونه انطباق هویت را که جنبه ابتدایی و ناپخته دارد، «ترانزیتیویسم^۲» می‌خوانند، تعکس، یعنی تغییر جهت راست به چپ و چپ به راست، یکی از ویژگی‌های اصلی ترانزیتیویسم است. در پایان این مرحله از رشد

3. Imaginary Identification

4. Symbolic Identification

1. Identification

2. Transitivity

همواره هویت خویش را حفظ می‌کند. چه در غیر این صورت فرد آدمی می‌توانست در هر لحظه از حیات خویش هویتی دیگر پیدا کرده و به کلی ماهیت خود را از دست بدهد (مُوللی، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۷۴). مرحله آینه به‌طور نامحدود در سراسر زندگی سوژه تکرار می‌شود و به کسب مداوم هویت‌های خیالی یا ترمیزی جدید منجر می‌شود که مربوط به لحظه‌های مهم و حیاتی در زندگی روانی سوژه است. وجود یک انسان به دلیل روابط خیالی یا ترمیزی است که با دیگر انسان‌ها برقرار می‌کند (Chiesa, 2007: 16).

براساس نظر لاکان، انسان از بدو تولد به کسب هویت اقدام می‌کند و هرلحظه از زندگی آن آغازی به‌منظور کسب هویت جدید با دیگری است. در علوم سیاسی نیز هویت یک مقوله ایستا و نامتحرک نیست و هویت‌یابی متوقف نمی‌شود؛ زیرا جامعه زنده‌ای به یک حال نمی‌ماند (فوکویاما، ۱۳۹۸). چنین نگاهی به هویت در پیوند با استعاره و یا ایماژ کارآمدتر رودخانه است. مقوله هویت به رودخانه تشبیه است؛ زیرا مانند رودخانه در بستر زمان و مکان جاری است. از یک‌سو تداوم دارد و گرنه در صورت انقطاع دیگر رودخانه نیست، اما در عین حال از تحول برخوردار است؛ زیرا در مسیر خود هم از مناطق جغرافیایی متعدد با مختصاتمانند هموار، شیب‌دار، پریچ‌وخم، خاکی، سنگی، شوره‌زار و علفزار می‌گذرد و از طرفی، بسته به زمان و فصل قوت، سرعت و میزان آب رودخانه کم‌وزیاد می‌شود. این دو عامل، یعنی مکان و زمان، به تصویری که از رودخانه داریم ویژگی تناقض‌نمای ثبوت و تغییر، ماندگاری و تازگی و تداوم و تحول می‌دهد. این نگرش تناقض‌نما نخستین و مهم‌ترین خصیصه هویت است. بدون تحول، هویت از یک‌سو به درجا زدگی دچار می‌شود و از سوی دیگر امکان ابتکار از نسل‌هایی گرفته می‌شود که بعداً خواهند آمد (رجایی، ۱۳۹۵: ۸۱).

بدین‌سان جامعه و انسان نیز در گردونه تاریخ پرتلاطم و پرفراز‌ونشیب خود، لحظه‌ای فارغ از دغدغه هویت خویش نبوده است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶۲). بررسی هویت در مناسبت با غیر که لاکان از آن به فرایند انطباق هویت یاد می‌کند می‌تواند در بررسی هویت‌های جامعه و نحوه رفتار با دیگر هویت‌ها (غیر) مفید باشد. انسان به‌عنوان سوژه مستقل از رابطه‌اش با سوژه‌های دیگر وجود ندارد. به عقیده لاکان سوژه آنگاه سوژه می‌شود که

وجود خود می‌بخشد. همچنین انطباق هویت ترمیزی رگه‌هایی از ساحت نمادین را در خود جای داده است و رابطه فرد را به نحوی غیرخیالی موجبیت می‌بخشد. این موجبیت از آنجا ناشی می‌شود که در بیشتر موارد، مرحله آینه‌ای با نخستین نشانه‌های زبان‌آوری و ورود کودک به دنیای نمادین هم‌زمان است؛ پس مرحله آینه‌ای منحصرأ متعلق به امر خیالی نیست (احمدی، ۱۳۹۳: ۹۵).

ذکر یک مثال می‌تواند تفاوت این دو نوع انطباق هویت را برجسته‌تر کند. انطباق هویت موارد متعددی نزد نوجوانان دارد که نحوه لباس پوشیدن یا آرایش خود را غالباً براساس مُد روز یا شخصیت‌های مورد تحسین جامعه انتخاب می‌کند (انطباق هویت خیالی)؛ درحالی‌که همین جوانان مثلاً هنگام یک اعتصاب عمومی می‌توانند هم خود در یاری به دیگران صرف کنند و برای کسب عدالت اجتماعی به مبارزه بپردازند (انطباق هویت ترمیزی).

در انطباق هویت ترمیزی، تأکید بر وحدت میان فرد و مطلوب تمنای او نیست؛ بلکه مورد اصلی انطباق، خصوصیتی است که به‌موجب آن فرد قادر می‌شود هویت خویش را نسبت به غیر به محک تجربه بگذارد. هویت به معنای تمایز است؛ تمایزی که به‌موجب آن فرد با مطلوب تمنای خود وحدت نمی‌یابد؛ بلکه از طریق انطباق خود با آن، راه را برای شکل وجود نَفسانی خود به‌عنوان موجودی متفاوت هموار می‌کند. در این نوع انطباق ترمیزی، مطلوب تمنا غایت شده جای خود را به خصوصیت مورد انطباق می‌دهد. لاکان این عنصر را که به بهای غیبت و محذوف شدن مطلوب آرزومندی حاصل می‌آید، «علامت واحده» می‌خواند (مُوللی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

علامت واحده لاکان را می‌توان به کثرت در وحدت نزدیک دانست. شخص در عین داشتن هویت خود، در هویت جمع وارد می‌شود و وحدت می‌یابد. در این وحدت، مطلوبات مختلف در عنصری واحد جذب نمی‌شوند؛ بلکه در عین توحید با یکدیگر، هر یک خصوصیت خویش را حفظ کرده و هویت خود را تعیین می‌بخشند. در این حالت، فرد در عین کسب فردیت خود سهم خویش را در هویتی وحدانی و مشترک حفظ می‌کند. کثرت در اینجا به معنای تمایز است؛ تمایزی که به وحدت اصلی وفادار می‌ماند. از همین‌رو آدمی با وجود کثرت در اعمال و افکار خود

سوژه‌ها را به هم می‌پیوندند چون به آنان امکان برقراری ارتباط می‌دهد؛ ولی جدایشان می‌کند چون ارتباط هرگز کامل نیست. لاکان اصطلاح «دال»^۲ را از زبان‌شناس سوسی، فردینان دو سوسور^۳ وام گرفت. سوسور معتقد بود که زبان متشکل از نشانه‌هاست، و هر نشانه مشتمل بر دو بخش دال و مدلول^۴ است. از نظر سوسور، دال تصویر ذهنی ما از صوت نشانه است، و مدلول مفهوم مرتبط با آن صوت است. این دو بخش نشانه به وسیله ارتباطی اختیاری به یکدیگر متصل شده‌اند (ملپس و ویک، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۶).

به تعبیر دیگر، دلیل ذاتی‌ای وجود ندارد که صوت واژه «گره» بر مفهوم موجود گره‌سان کوچکی که کنار ظرفش منتظر غذا ایستاده دلالت کند. در تقابل با سوسور، لاکان بسی بیشتر به دال ارزش می‌دهد تا مدلول. سوسور همچنین تأکید کرده بود که زبان نظامی رابطه‌ای^۵ یا تفاوتی^۶ است. منظورش این بود که هیچ نشانه‌ای را نمی‌توان فارغ از دیگر نشانه‌ها تعریف کرد؛ بنابراین، برای مثال، مرد مرد است چون زن نیست، و راست راست است چون چپ نیست و معنای کامل یک نشانه زبانی، یعنی ارزش^۷ آن، عبارت است از کاربرد بالقوه آن در برخی ترکیبات همنشینی ویژه (ولی نه دیگر ترکیبات) همراه با کاربرد مشخص آن در تقابل متداعی با دیگر نشانه‌ها که احتمالاً می‌توانستند در آن ترکیبات به کار برده شوند (هریس، ۱۳۸۱: ۴۷-۶۴).

این «چیزی نبودن» یا وجه تفاوت بنیاد زبان برای لاکان نقشی اساسی دارد؛ زیرا اگر واژه‌ها ما را نه به جهان بلکه صرفاً به واژه‌های دیگر ارجاع می‌دهند، پس ما از جهان گسسته و در کرانه‌های زبان سرگردان رها شده‌ایم. با این تعبیر، زبان نظامی مستقل است که جهان بسته خود را می‌سازد. بدین ترتیب، این نه تجربه بازتابیده از جهان، بلکه واژه‌ها هستند که زبان را می‌سازند. فهرست واژه‌هایی که می‌توان به کمک آنها به کسی ارجاع داد: «انسان‌نما»، «پستاندار»، «حیوان» و «شخص» نمونه‌ای است از

گفتن «من» را فرا می‌گیرد؛ واژه‌ای که در یک زبان مشترک و از طریق رابطه با دیگران فراگرفته می‌شود.

چنین دریچه‌ای می‌تواند نشان‌دهنده تحولات هویتی باشد که مانند خمیرمایه در تاریخ تحولات اجتماعی جامعه جریان دارند. در واقع بررسی فرایند هویت‌یابی و انطباق هویت یک اجتماع با غیر می‌تواند مسیر فرایند انطباق هویت، اختلال در این مسیر و نسبت آن با تحولات سیاسی آن جامعه را بازگو کند. همچنین این فرصت فراهم می‌آید تا فرایند انطباق هویت در تحولات عظیم و به‌هم‌پیوسته از چشم سوژه‌هایی (گروه یا جامعه) روایت شود که هویت آنها با غیر پیوند خورده است. چنین روایتی با به کار بستن مرحله آینه‌ای (هویت‌یابی سوژه)، انطباق هویت ترمیزی یا خیالی لاکان عملی خواهد شد. به‌عنوان نمونه فرایند انطباق هویت ترمیزی ایرانیان با غیر غربی در دوره مشروطه و به‌طور ویژه مجلس اول شورای ملی از مهم‌ترین بزنگاه‌های تاریخی ایران است که در قالب نظریات لاکان جای می‌گیرد.

۲-۳. ساحت نمادین؛ تبیین نزاع‌های هویتی در عرصه سیاسی

ساحت نمادین در نزد لاکان گستره‌ای مشتمل است بر همه چیز؛ از زبان گرفته تا قانون، و تمام ساختارهای اجتماعی را نیز شامل می‌شود. به همین دلیل، ساحت نمادین، سازنده بخش عمده آن چیزی است که ما معمولاً «واقعیت» می‌نامیم. اغلب مردم حتی پیش از زاده شدن، درون امر نمادین مستقر می‌شوند؛ زیرا بر آنها نام گذارده می‌شود و به خانواده خاص، به یک گروه اجتماعی-اقتصادی به یک جنسیت، نژاد و غیره تعلق می‌گیرند. شاید چنین توصیفی مثبت به نظر برسد، اما لاکان با گفتن اینکه آنچه ساحت نمادین را برپا می‌کند، زنجیره دلالت یا به تعبیر خودش قانون دال است، در واقع تصریح می‌کند که ما در عین حال به تعبیری زندانی امر نمادین نیز هستیم (مایرز، ۱۳۹۱: ۴۰) و اگرچه سوژه تلاش می‌کند تا برای برقراری رابطه با دیگران جایی را در ساحت نمادین اشغال کند، ولی این کار گرفتاری‌هایی به همراه دارد؛ آنچه لاکان گه‌گاه «دیوار زبان»^۱ می‌خواند که هم‌زمان سوژه‌ها را به یکدیگر پیوسته و از یکدیگر جدا می‌کند. زبان

2. Signifier

3. Ferdinand de Saussure

4. signified

5. relational

6. differentials

7. valeur

1. the wall of language

بروز می‌یابد. سوژه، میل رجعت به دنیای کودکانه «ساحت خیالی» را سرکوب می‌کند؛ اما خود این ساحت را نمی‌تواند از شعور تاریک خویش بیرون براند. با وجود سیطره ساحت نمادین، ساحت خیالی در مراحل بعدی زندگی همچون سرایی فریبنده کماکان ما را به سوی خود می‌خواند (پاینده، ۱۳۸۸: ۳۵).

ساحت نمادین در اندیشه لاکان نشان می‌دهد که حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی دخالت مستقیمی در عرف، نهادها، قوانین، رسوم، هنجارها، آداب، آیین‌ها و قواعد دارند. در روانکاوی، این جهان غیرطبیعی مجموعه ساخته و پرداخته‌ای از زمینه‌های بینا سوژگی و فرا سوژگی است که افراد بشر هنگام تولد به درون آن پرتاب می‌شوند؛ همسو با پرتاب‌شدگی هایدگری.^۱ نظم از پیش موجودی که جایگاهی را برای انسان‌ها آماده می‌کند و فراز و نشیب‌های ادامه زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جانستون، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲).

این بینش عمیق نسبت به هویت نشان می‌دهد که منازعه هویتی در قلب ساحت نمادین یکی از مهم‌ترین منازعات جوامع انسانی در عرصه سیاست است. دو دیدگاه سیاسی و فرهنگی برای مطالعه نزاع‌های هویتی وجود دارد؛ درحالی‌که دیدگاه سیاسی به سراغ متون، اسناد و گفتارهای رسمی سیاست می‌رود، رویکرد لاکان به نزاع هویتی بر متون حاشیه‌ای و کمتر شناخته‌شده تمرکز می‌کند و امکان جستجوی تحولات سیاسی در حوزه نمادین برای پژوهشگر علوم سیاسی فراهم می‌آید.

با این رویکرد، متون و نمادهایی که در علوم سیاسی سنتی (دولت‌محور) بی‌اهمیت شمرده شده و یا در حاشیه قرار گرفته‌اند، با هدف تحلیل سیاسی بی‌طرفانه‌تر بازخوانی می‌شوند. بخشی از ساحت نمادین را نیز ابزارهای فرهنگی نظیر تمبر و اسکناس تشکیل می‌دهند. از آنجا که این ابزار کمتر به رژیم‌های صدق وابسته هستند، نشانه‌های بی‌طرفانه‌تری را از تاریخ و منازعات هویتی در خود نهفته دارند که می‌توان از طریق تحلیل‌های جدید همچون نشانه‌شناسی به آن دست یافت (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

ساحت نمادین به امکان‌های سیاسی شدن یا سرپیچی سوژه‌ها تحت تأثیر هویت اشاره دارد. گروه‌هایی که به حاشیه

آنچه لاکان آن را زنجیره دلالتی می‌نامد. زنجیره دلالتی آن چیزی است که ساحت نمادین را به هم پیوند می‌زند.

به زبان ساده، این زنجیره به شبکه‌ای کلی از دال‌های در دسترس اطلاق می‌شود. پیامد این نکته برای درک ساحت نمادین دوگانه و متضاد است: نخست اینکه اگر نمی‌توان جز از طریق قانون تضاد و بی‌ثبات دال به چیزی نزدیک شد، پس ما محکوم هستیم به اینکه هیچ‌گاه «جهان را آنچنان که به‌راستی هست» درنیابیم؛ دوم اینکه اگر رابطه میان دال و مدلول تضاد و بی‌ثبات باشد، پس خصلت یا نوع ساحت نمادینی که ما در آن به سر می‌بریم نیز نه همیشگی و نه الزامی است. برای مثال طی سالیان اخیر نقش زنان در جامعه اساساً از جایگاهی فرودست مردان به مرتبه‌ای هم‌تراز تغییر یافته است. در چنین مواردی، دال «زن» دیگر به مدلول «انسان درجه دوم و فرودست» ارجاع نمی‌دهد؛ بلکه صرفاً به «انسان مؤنث» اطلاق می‌شود (مایرز، ۱۳۹۱: ۴۰-۴۳).

امر نمادین با حذف امر واقعی، «واقعیت» را خلق می‌کند؛ واقعیتی که با زبان نام‌گذاری می‌شود و در نتیجه امکان تفکر و صحبت درباره آن را فراهم می‌آورد. «ساخت اجتماعی واقعیت» به دنیایی اشاره دارد که با استفاده از واژگان زبان گروه (یا زیرگروه) اجتماعی تعریف و درباره‌اش بحث شود. آنچه در زبان گروه بی‌نام بماند، بخشی از واقعیت گروه نیست؛ و به معنای دقیق کلمه وجود ندارد (فینک، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۳). درواقع، در گذر از ساحت خیالی به ساحت نمادین، عبور از «مَن» همان‌گونه‌که سوژه دریافت‌های خودش است، به سوژه قدرت و دستورات یک شخص یا یک ابژه تبدیل می‌شود که درواقع همان ساحت نمادین یا زبان است (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۲۴۵).

مرحله نمادین، مرحله استقلال واقعی از مادر و ورود به جرگه انسان‌های بزرگسال است؛ اما به‌گمان لاکان، این استقلال هرگز نمی‌تواند حقیقتاً رخ دهد؛ به‌گونه‌ای که مستغرق شدن هویت کودک در هویت مادر، حسی از ایمنی وجودی به کودک افاده می‌کند که همه ما در مراحل بعدی زندگی بی‌آنکه خود بدانیم همچنان آن را می‌جوییم (و نمی‌یابیم). میل کودک به امحاء و بودگی «نفس/دیگری» و اعاده وحدت زایل شده با مادر، همواره در ضمیر ناخودآگاه او باقی می‌ماند و در آینده به شکل‌های غریبی

1. Geworfenheit

اگر هر دالی کاملاً با مدلولش منطبق بود و هر نشانه‌ای با مصداقش انطباق داشت، دیگر زنجیره دلالتی وجود نداشت. تنها ساحت نمادینی باقی می‌ماند که در تطابق کامل با امر واقعی بود. آنچه ما را انسان یا به عبارت دقیق‌تر سوژه می‌کند، زنجیره دلالتی یا تصمیم‌هایی است که ما با توجه به آن می‌گیریم، و در غیر این صورت این تصمیم‌ها و زنجیره‌های دلالتی و به همراهشان خود ما همه با هم ناپدید می‌شدیم؛ بنابراین سوژه به‌عنوان فصل مشترک ساحت نمادین و ساحت واقعی ظهور می‌کند (مایرز، ۱۳۹۱: ۴۳-۵۰).

واقعیت در انواع مختلف آن (اجتماعی، تاریخی و نفسانی) مجموع عناصر هماهنگی از اسما دلالت هستند که آدمی را در حوزه رمزی و اشاری خاصی به جهت ویژه‌ای سوق داده و هدایت می‌کنند. بدیهی است که واقعیت هر بار نوعی از سازمان‌دهی مبانی و اصولی است که به‌موجب آنها اداره امور انسانی امکان‌پذیر می‌شود. واقعیت هر جامعه‌ای در هر برهه‌ای از تاریخ گواه این امر است: روابطی خاص انسان‌ها یعنی منشعب از ساحت نمادین که زندگی آنها را تدارک بخشیده و با آنان واجد نسبتی متقابل است. ساحت واقع نه‌تنها فرد را در حالتی از مات‌زدگی نگه می‌دارد، بلکه موجب وحشتی عظیم در او می‌شود.

ساحت واقع قلمروی است بیگانه با ساحت رمز و اشارت. وحشت آدمی در مقابل آن ناشی از همین بیگانگی عمیق است. هر بار هنگام شکل ساحت رمز و اشارت به برون فکنده شده و از مدار آن به خارج پرتاب می‌شود و در ساحت رمز و اشارت نمی‌گنجد (مُوللی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳-۲۷۵)؛ بنابراین ساحت واقع، واقعیت تخیلی-نمادین و زبان آن را از بیرون دچار آشوب می‌کند و عقیم می‌گذارد و هم بدل می‌شود به درون ماندگاری‌ای که از درون، واقعیت/زبان را برمی‌آشوبد و برمی‌اندازد. امر واقع با بی‌معنایی مادی زبانی و غیرزبانی، رخدادهای آسیب‌زا (تروماتیک) حادث، شدادی جسمی تحمل‌ناپذیر، دل‌شوره و مرگ ارتباط پیدا می‌کند (جانستون، ۱۳۹۴: ۳۹).

۲-۴-۲. تروما^۳ (روان ضربه)

تروما یا روانه ضربه نشانی بیش از تعارضات و کشمکش‌های روحی و در ارتباط مستقیم با ساحت نفسانی سوژه نیست. لاکان

رانده می‌شوند، از راه بازنمایی هویت به مقاومت در برابر گفتمان مسلط می‌پردازند. این نگاه می‌تواند روشن‌گر تضاد در جوامع مختلف باشد. به‌عنوان نمونه در ایران که دو نظام سیاسی پهلوی و انقلاب اسلامی را به فاصله کم و با دو رویکرد هویتی باستانی و اسلامی تجربه کرده است، چنین منازعاتی همچنان در ساحت نمادین بر سر کیستی و چیستی هویت ملی در جریان است.

۲-۴-۲. ساحت واقع، تروما و فانتزی ناخودآگاه؛ به‌سوی تبیین انقلاب

مهم‌ترین کاربرد روانکاوی در عرصه سیاسی را باید تبیین پدیده انقلاب^۱ دانست که از پیوند میان ساحت واقع، تروما و فانتزی ناخودآگاه حاصل می‌شود. تشریح این سه مؤلفه خود می‌تواند ارتباط آنها را با انقلاب آشکار کند.

۲-۴-۱. ساحت واقع: ساحت واقع نقطه مقابل و مخالف

واقعیت^۲ است. بخشی از زندگی است که واقعیت پیدا نخواهد کرد؛ واقعیت به معنای امری که یا به کمک خیال و فانتزی می‌توان آنها را به تصویر کشید و یا به کمک زبان می‌توان آنها را تعبیر و نمادین کرد (علی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۷). امر واقع همان جهان است پیش از آنکه زبان تکه‌تکه‌اش کند. ساحت واقع و ساحت نمادین به‌شدت وابسته به یکدیگرند. امر نمادین بر پایه امر واقعی کار می‌کند؛ همچنان که لاکان ادعا می‌کند امر نمادین در امر واقعی بُرش ایجاد و به شکل‌های متنوع و متعدد آن را قطعه‌قطعه می‌کند.

درواقع، یکی از راه‌هایی که از طریق آن می‌توان امر واقعی را تشخیص داد، این است که گوش‌به‌زنگ باشیم چه وقت یک چیز نسبت به نمادین شدن بی‌تفاوتی نشان می‌دهد. هر آنچه به شکلی متفاوت تفسیر شود، حضور امر واقعی را افشا می‌کند. امر واقعی بی‌معنا و نامفهوم است-صرفاً باقی می‌ماند، و معنا را تنها می‌توان در واقعیت ساحت نمادین یافت. رابطه میان ساحت واقع و ساحت نمادین از این‌سو حائز اهمیت است که اگر امر نمادین تعبیری ناکامل یا ناپسند از امر واقعی نبود، اگر چنین بود که می‌توانستیم مستقیماً امر واقعی را درک کنیم، آنگاه سوژه بودن ما از دست می‌رفت.

1. Revolution

2. realistic

3. trauma

دوره‌هایی که سوژه بر اثر افسردگی، به معنا باختگی ارزش‌های مسلط اجتماعی یا نظام‌های اعتقادی رسمی پی می‌برد ولی نمی‌تواند احساس خود را درباره آن ارزش‌ها و نظام‌ها را به کلام درآورد، جزء برهه‌های نادری هستند که فرد در تماس با ساحت واقع قرار می‌گیرد. این لحظه‌ها و دوره‌های زمانی، موجد احساس اضطراب در فرد می‌شوند (پاینده، ۱۳۸۸: ۳۷) و ممکن است تمامیت نفسانی او را تهدید کنند (مُوللی، ۱۳۸۷: ۳۰۵).

تروما می‌تواند در فرایند سوژه شدن یا کسب هویت بروز کند. بنا بر آنچه در مرحله آینه‌ای گفته شد، هویت آدمی اساساً با مفهوم غیرآمیخته است. در فرایند انطباق، طفل از استراتژی‌های عمده‌ای سود می‌جوید. یکی از مهم‌ترین انطباق‌های هویتی، نارسسیم^۲ است که برخلاف نظریه‌های سنتی پیشین، لاکان آن را به مثابه انحراف و بیماری در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه مرحله‌ای از رشد آدمی می‌داند که طفل با نگاه به آینه، تصویر خویش را از آن خود می‌کند و به آن تعلق عاطفی پیدا می‌کند (همان: ۱۶۹)؛ بنابراین بازنشاسی خود هسته اصلی ساحت خیالی است؛ اما این کار از طریق شناسایی غیر انجام می‌شود. کودک در طی دوره آینه تصویری اغراق‌آمیز از خود می‌سازد و سپس در فرایند بطنی از طریق ایدئال‌سازی میان خود و ایدئال خود، تمیز قائل می‌شود. در اصل در طی فرایند تکوین، فرد از «غیرمتناهی برای خود» به «مَن متناهی» نائل می‌شود. طفل از موجودی نامتناهی که سلطه کامل بر خود و مادر دارد به موجودی محدود تنزل می‌کند که حتی قادر به کنترل کامل بر مَن نفسانی خویش نیست. این تنزل در مراحل رشد آدمی حیاتی است و هرگونه اختلال در این فرایند تنزل یابنده می‌تواند به ترومایی چون جراحی نارسسیمیک^۳ منجر شود که احساس تهیدستی را به همراه خواهد داشت. این ضایعه نیز به نوبه خود باعث حالتی خاص می‌شود که به پارانو یا شباهت فراوان دارد. به موجب این پدیدار که می‌توان آن را شبه پارانو یا خواند، فرد با پناه بردن به جلال و شکوه گذشته به پرورش خودبزرگ‌بینی در ذات خویش پرداخته و خود را به عنوان فرد مورد آزار و اذیت می‌بیند (همان: ۲۲۶-۲۲۷).

همچون پزشک به بیمار نمی‌نگرد و عوارض او را تجلی رنجی خواهد دانست که از تعارضات درونی وی حاصل آمده‌اند و با توجه به سرگذشت او قابل درک هستند. اگر امر واقعی را به منزله آنچه هنوز نمادین نشده تصور کنیم، زبان بی‌تردید هرگز امر واقعی را کاملاً دگرگون نمی‌کند و هرگز تمام ساحت واقعی را به درون ساحت نمادین تخلیه نمی‌کند؛ همواره ته‌مانده‌ای باقی می‌ماند. روان‌کاو به هر ته‌مانده کهنه‌ای علاقه ندارد؛ بلکه به دنبال تجربه بازمانده‌ای است که برای بیمار مشکل ایجاد می‌کند (فینک، ۱۳۹۷: ۷۴-۷۵). منشأ روان ضربه برخورد با محرکی بیرونی و ناتوانی سوژه در فهم این تحرکات و تسوق بر آنهاست و زخمی روانی در ناخودآگاه سوژه برجای می‌گذارد که بعدها دوباره ظاهر خواهد شد (مُوللی، ۱۳۹۸: ۳۱۰).

ایده روان ضربه تلویحاً نشان از آن است که انسداد یا تثبیتی^۱ خاص در فرایند دلالت وجود دارد. روان ضربه جریان نمادسازی را متوقف و سوژه را در مرحله آغازین رشد تثبیت می‌کند. برای مثال، خاطره‌ای که در ذهن فرد تثبیت شده، اختلال و رنج روانی شدیدی را موجب می‌شود و فارغ از چگونگی تلاش فرد در توضیح عقلانی و بیان آن، مدام باز می‌گردد و رنج تکرار می‌شود. آنچه لاکان به مفهوم فرویدی روان ضربه می‌افزاید، این است که روان ضربه تا آنجا که امر واقع است، نماد ناپذیر می‌ماند و مانند «جابه‌جاشدگی استخوان در درون سوژه» است (هومر، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۷).

نظریات متعددی در مورد ضایعه روانی وجود دارند؛ ولی نظریه‌ای که در روان‌کاوی لاکانی و فرویدی درگیر آن هستیم، معمولاً به «کنش معوق» ترجمه می‌شود. در چنین حالتی، امر واقعی یا حادثه همان بود که بود؛ این امر نمادین است که معنای آن را تغییر می‌دهد؛ به عبارت دیگر حادثه به خودی خود تغییر نکرده است؛ بلکه شیوه فهم کردن، معنا بخشی به آن، یا نمادین کردنش تغییر یافت. پس رابطه امر واقعی و امر نمادین این‌گونه ادامه می‌یابد: امر واقعی باقی می‌ماند؛ ولی شیوه تفسیر انسان از آن به وسیله امر نمادین تغییر می‌کند (مایرز، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۷).

۱. (Fixation) به معنای قفل شدن دال در یک مقطع یا بر یک مدلول است؛ مثلاً، در فرایند رشد جنسی، فرد از سه مرحله عادی رشد (مراحل دهانی، مقعدی و قضیبی) عبور می‌کند. تثبیت زمانی رخ می‌دهد که فرایند رشد در یکی از این مراحل، به‌ویژه در مرحله اول، متوقف بماند.

2. Narcissism

3. Blessure narcissique

۲-۴-۳. فانتزی ناخودآگاه^۱

روانکاوی در وهله اول درباره واقعیت امیال و خواسته‌های ناخودآگاه ماست، نه واقعیت‌های اجتماعی. این امیال ناخودآگاه در بستر فانتزی متجلی می‌شوند. فانتزی همواره بیانگر تحقق و ارضای آرزویی است (در تحلیل نهایی، آرزویی ناخودآگاه) و تا آنجا پیش می‌رود که فرایندهای دفاعی اجازه دهند (هومر، ۱۳۹۴: ۱۱۹). سوژه‌ها با توسل به «فانتزی ناخودآگاه» به دنبال زدودن تعاریف نمادینی که در ظاهر به آنها هویت داده و تغییر ساحت نمادین موجود بر می‌آیند تا رضایتی مطلق را به چنگ آورند. در حقیقت، امیال ناخودآگاه در بستر فانتزی تجلی می‌یابند و فانتزی کوششی است برای پر کردن شکاف ناشی از پرسش با یک پاسخ. فانتزی همان چارچوبی است که میل ما را هماهنگ و مختصاًش را تعیین می‌کند. در صفحه فانتزی، میل تحقق نمی‌یابد، «ارضا نمی‌شود»، بلکه برساخته می‌شود (Lacan, 1998: 185).

سوژه با کمک فانتزی تلاش می‌کند توهم وحدت خود را با دیگری بزرگ حفظ کند و بر تلاش‌های ناکام امر نمادین برای آوردن امر واقعی درون مرزهایش فائق آید که همواره یک بازمانده پنهان دارد (رایت، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۲)؛ اما این طلب بیهوده است؛ موضوع مفقود میل، که لاکان به رسم نام‌گذاری‌های رشته جبر آن را «ابژه ای کوچک^۲» می‌خواند، هرگز به دست نمی‌آید. چیزی که سوژه تصور کند و می‌تواند ابژه گم‌شده را مجسم یا تولید کند سرانجام او را ناامید می‌کند. همواره شکافی وجود دارد میان تمتع به دست آمده و تمتعی که انتظار آن می‌رفته است (ملپس و ویک، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

فانتزی‌ها شکافی را به شکل خیالی و نمادین درمان می‌کنند. فانتزی راهی برای سوژه است که ژوئیسانس^۳ خود را سامان دهد-راهی برای رام کردن یا برآمدن از پس فقدان ضایعه زای ژوئیسانسی که نمی‌تواند نمادین شود (مایرز، ۱۳۹۱: ۱۴۷). بهترین تعبیر برای ژوئیسانس شاید «تمتع» باشد و از «لذت»^۴ متفاوت است. لذت احساسی خوشایند است که آگو هنگام

1. Fantasy
2. object petit a
3. به فرانسوی: Jouissance
4. pleasure

کاهش تنش تجربه می‌کند، کاهش تنش روانی به مفهوم آرامش و تن‌آسایی؛ حال آنکه تمتع با تداوم یا افزایش شدید تنش سروکار دارد. تمتع تجربه تنشی طاقت‌فرسا، آمیزه‌ای از نشنگی و غرابت است که سوژه در وضعیت‌ها حدی، در لحظات رد کردن حد یا آستانه، رویارویی با بحران یا اوجی استثنایی و اغلب دردناک از سر می‌گذراند (مُوللی، ۱۳۸۸: ۵۷).

سوژه همواره پس از گذراندن وضعیت است که می‌فهمد با امری خارج از نظام نمادین روبه‌رو شده بوده است و ناگاه خُشک‌ش می‌زند (وقفی‌پور، ۱۳۹۵: ۴۸). به عقیده لاکان برای دستیابی به ژوئیسانس قوانین مقدس و وجدان به زیر پا گذاشته می‌شوند و حتی مسیری را نشان می‌دهد که به خطر می‌انجامد (Lacan, 1997: 191-194). بدین ترتیب ژوئیسانس با لذت فرق دارد چندان‌که غالباً به تألم می‌انجامد (پیرکلرو، ۱۳۹۴: ۷۲)؛ و از عمده هدف‌های یک فانتزی در جامعه است. از این جهت، فانتزی با میل ارتباط تنگاتنگی دارد. میل همیشه ناکام باقی می‌ماند و در نتیجه پیگیرانه ادامه دارد. به گفته لاکان آنچه هست میل به میل است و نه میل به ابژه. درک لاکان از میل بیشتر هگلی (میل، آرزو و رغبت) است و با مفهوم فرویدی فاصله‌ای ملموس دارد و بنابراین میل هرگز برآورده نمی‌شود (احمدی، ۱۳۹۳: ۹۵-۹۶).

اگرچه لاکان در چند برهه از کار خود بر مشخصه خیالی فانتزی تأکید می‌کند، با وجود این، فانتزی کاملاً خیالی نیست. فانتزی می‌کوشد جای ساحت نمادین دچار فقدان و دلال‌نگری گم‌شده‌ای را اشغال کند که به گمان ما نشان‌دهنده لذت قربانی شده ماست، واقعیت تنها با توسل جستن به فانتزی انسجام خود را به صورت موضوع همان انگاری به دست می‌آورد و خواستنی می‌شود (استاوراکاکیس، ۱۳۹۴: ۹۲-۹۴). به عقیده ژیک، فانتزی بخش کوچکی از تخیل و قابی است که متضمن دسترسی ما به واقعیت و «حس معنای» ما از «واقعیت» می‌شود. بدین ترتیب، فانتزی یعنی تغییر دادن افق یا امر نمادینی که معضلاتی را برای سوژه‌ها رقم زده است. این عمل سیاسی چیزی نیست جز انقلاب (مایرز، ۱۳۹۱: ۹۳).

از علم سیاست اولیه در نگاه افلاطون و ارسطو، تنوری‌های گوناگونی در تلاش بوده‌اند تا پدیده انقلاب را تبیین کنند. پدیده‌ای

و پیش از بر سرکار آمدن نظم جدید، می‌توان حفره را در ساحت نمادین به چشم دید و حضور امر سیاسی را حس کرد. رسالت، امروزی روشنفکران منتقد، تصرف مداوم فضای این حفره است، به‌ویژه هنگامی که نظم جدید (تصرف مجدد سیاست سنتی) تثبیت می‌شود و به قصد پنهان کردن این فقدان در ساحت نمادین تلاش می‌کند (استاوراکاکیس، ۱۳۹۴: ۲۵۳-۲۵۴).

چنین برداشتی ما را به ارتباط اندیشه لاکان با انقلاب در عرصه سیاسی بسیار نزدیک می‌کند. به‌عنوان نمونه امر سیاسی لاکانی در انقلاب اسلامی ایران با فانتزی بازگشت به خویشتن خویش یا برآمدن گفتمان باستان‌گرایی ناشی از جراحی نارسسیک و اختلال در فرایند انطباق هویت ایرانیان با غیرغربی پس از به توپ بسته شدن مجلس اول شورای ملی در عصر مشروطیت قابل ردگیری است. فانتزی بازگشت به خویشتن خویش برای مقابله با ساحت نمادین حکومت پهلوی (غرب‌گرایی صوری و باستان‌گرایی) شکل گرفت که سوژه در آن بیگانه شده بود. پس از آن میل جامعه ایران به انطباق هویت با اسلام سیاسی برای بازگشت به خویشتن خویش کشیده شد. در مشروطه نیز پس از آغاز فرایند انطباق هویت با غیرغربی، مجلس شورای ملی به توپ بسته شد و در فرایند رو به جلوی آنها در ترمیز با غیرغربی انسداد پدید آمد. روان ضربه با محوریت جراحی نارسسیک جریان نمادسازی مشروطیت را متوقف کرد. هرج‌ومرج برآمده از مشروطیت باعث شد تا ایرانیان برای رسیدن به آرامش به فانتزی‌های گوناگونی روی آورند که در نهایت میل آنها به انطباق هویت با استبداد منور با دال‌های عمده باستان‌گرایی بود.

۲-۵. روایتی نوین از مسئله ساختار-سوژه در عرصه سیاسی

از تمامی مباحث و ایده‌های اصلی لاکان کاربردی جدید برای مسئله‌ای قدیمی در علوم سیاسی حاصل می‌شود. مشکل ساختار و سوژه، مسئله محوری نظریه سیاسی است و مجموعه بسیار مهمی از ملاحظات را برای رشته علوم سیاسی فراهم آورده است. برخی از این ملاحظات شامل ساخت یابی^۱ (وابستگی متقابل و ارتباط درونی سوژه و سوژه) و واقع‌گرایی انتقادی^۲

که در بطن هر جامعه‌ای امکان ظهور و بروز دارد. سود جستن از روانکاوی برای تبیین انقلاب در نقطه‌ای آغاز می‌شود که «ذات‌زدایی» از سیاست را در پی خواهد داشت. رهیافتی که زمینه‌های توضیح‌شکلی از دموکراسی رادیکال را فراهم می‌آورد و فهمی متفاوت از امر سیاسی است. این شکل خاص روانکاوی در مواجهه با سوژه و نسبت آن با جامعه‌ای است که در آن قرار می‌گیرد و به ما امکان می‌دهد تا فهمی از چیستی امر سیاسی براساس یک نظرگاه روانکاوانه ارائه دهیم.

بدین ترتیب تمام محصولات بشری (جامعه، فرهنگ، مذهب و علم) را می‌توان در پرتو ناکامی ساختاری ساحت نمادین در ایجاد رابطه با ساحت واقع درک کرد. این مرحله ناکامی در هنگام رویارویی با ساحت واقع، در خوانش لاکانی ما، مرحله سیاسی تمام‌عیاری است. ویژگی بنیادگذاران این مرحله در روانکاوی لاکانی، اثبات می‌کند که برداشت فانتزی وار ما از نهاد اجتماعی-سیاسی جامعه به‌عنوان تمامیتی هماهنگ، چیزی بیش از سراب نیست. مرحله تروماتیک سیاسی از حیث رویارویی با ساحت واقع، بارها و بارها فرایند نمادپردازی و بازی سلطه‌جویانه همیشه حاضر نمادپردازی‌های متنوع ساحت واقع را به جریان می‌اندازد. این بازی به ظهور سیاست ورزی، تأسیس سیاسی نوعی فانتزی اجتماعی جدید (یا بسیاری از فانتزی‌های ستیزه‌جویانه درگیر در نزاع بر سر سلطه) به‌جای فانتزی در هم ریخته قبلی منجر می‌شود، و به همین منوال.

طرح لاکان از حیات اجتماعی-سیاسی عبارت است از بازی مدور پایان‌ناپذیر امکان و امتناع، ساختن و ویران کردن، بازنمایی و ناکامی در بازنمایی، مفصل‌بندی و در هم ریختگی، واقعیت و ساحت واقع و سیاست‌ورزی و امر سیاسی (استاوراکاکیس، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۶). ناکامی نظام‌های سیاسی در برپایی خیر آرمان به قصد سلطه، فقدان در ساحت نمادین را آشکار می‌کند و عرصه اجتماعی را می‌شکافد. در کنار این شکاف‌ها، تروما یا روان ضربه نیز می‌تواند سوژه را به سمت تلاش برای تغییر و فائق آمدن بر فقدان در ساحت نمادین رهنمون کند؛ بنابراین انقلاب شکوهمندترین و جذاب‌ترین نمایش سیاسی است که به‌منظور نمادین ساختن ساحت واقع و فائق آمدن بر اختلال در ساحت نمادین رخ می‌دهد. در این لحظه کوتاه پس از فروپاشی نظم کهن

1. theory of structuration

2. Critical realism

بدین سان، نسبت ساختار-سوژه در روانکاوی در کنار نفی رفتارگرایی یا ساختارگرایی صرف، ارائه‌دهنده یک روایت پیچیده و ظریف از مسئله ساختار-سوژه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث علوم سیاسی است.



شکل شماره ۳. جدال سوژه و اقتدار در سه ساحت خیالی، نمادین و واقع

در مجموع می‌توان کاربرد روانکاوی در علوم سیاسی را در جدول زیر به‌صورت خلاصه ارائه داد:

جدول شماره ۱: تلخیص یافته‌های تحقیق

| مثال | کاربرد | ایده اصلی |
|---|---|---------------------------|
| انطباق هویت ایرانیان در مشروطه با دیدن تصویر خود در آینه غرب | تبیین هویت‌یابی فردی و گروهی در عرصه سیاسی | ساحت خیالی |
| نزاع هویتی ایرانیان میان عناصر باستانی و اسلامی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی | تبیین نزاع‌های هویتی در عرصه سیاسی | ساحت نمادین |
| انقلاب اسلامی ایران با فانتزی بازگشت به خویش‌نواختن خویش | تبیین پدیده انقلاب در عرصه سیاسی | ساحت واقع، تروما و فانتزی |
| کنش‌های افراد و گروه‌های سیاسی برای غلبه بر ساختارها | روایتی پیچیده و ظریف از مسئله ساختار-سوژه در عرصه سیاسی | رابطه کلی سوژه و ساختار |

نتیجه‌گیری

روانکاوی با عبور از نحله کلاسیک و فرویدی، زمینه طرح در عرصه سیاسی را کسب می‌کند. این کاری است که به‌طور مشخص، ژاک لاکان انجام داده است. در اندیشه او، روانکاوی برای خود رسالتی کیهانی تعیین می‌کند، مرزهای رشته خود را پشت سر می‌گذارد و خود را با سیاست‌ورزی، فلسفه، ادبیات، علم، دین و تقریباً همه عرصه‌های دیگر مربوط به ساختن نظریه‌ای فراگیر، درگیر می‌کند. نظریه‌ای که به تحلیل همه

(فهم دیالکتیکی رابطه ساختار و سوژه) می‌باشند (مارش و استوکر، ۱۳۹۳: ۳۰۳-۳۲۷).

لاکان که برخی او را «ساختارگرا» و دیگران «پساساختارگرا» نامیده‌اند، هر دو مفهوم-ساختار و سوژه را در چارچوب نظری منسجمی حفظ و از آنها دفاع می‌کند. او بسیاری از خصایصی را که در تفکر غرب به سوژه نسبت داده می‌شود از آن جدا می‌کند. ساختار-سوژه در روانکاوی از هنگامی آغاز می‌شود که سوژه مورد استناد لاکان سوژه‌ای که آگاهانه فکر می‌کند، نیست. لاکان از یک طرف به فلسفه انتقاد وارد می‌کند؛ زیرا فلسفه دانشی است که اهمیت بنیادین به هوشیاری، حقیقت و خود می‌دهد؛ اما روانکاوی بر ناخودآگاه، احساس و خواب تأکید می‌کند.

ورود ناخودآگاه به دنیای اندیشه برای فهم انسان، ضربه‌ای سنگین به عقل باوری و لوگوسنتریسم^۱ بود. به بیان دیگر ضربه‌ای اساسی به تمامی فلسفه‌هایی بود که اهمیت بنیادین برای عقل انسان قائل بودند و آن را مرکزی برای شناخت انسان می‌دانستند. گذشته از این، ورود ناخودآگاه به میدان تصویر و هویت انسان، تنها مبین این نیست که عقل حکمران سرزمین خود نیست؛ بلکه این را نیز آشکار می‌کند که انسان «آزاد» نیست. این رویکرد هنگامی عمیق‌تر می‌شود که لاکان بحث زبان را با مجموعه‌ای از نشانه‌ها و سمبل‌ها برجسته می‌کند. پروسه‌ای که می‌توان از آن به ساختار یاد کرد، پروسه‌ای پیچیده که با مرحله آینه‌ای و دیگری آغاز می‌شود. انسان مدتی دیگر وارد عرصه زبان و بافت نمادین و سمبل‌های پیچیده می‌شود.

لاکان انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که اسیر نظام رمزی زبان، ناخودآگاه و ساحت نمادین است. این برداشت به علوم سیاسی کمک می‌کند تا در عرصه سیاست از سوژه خودآگاه و عاقل مرکزیت‌زدایی کند و مفروضات عام در باره هدفمند بودن گفتمان‌های عقلانی سوژه را تضعیف کند. از طرفی دیگر، سوژه نمرده است؛ بلکه توسل به فانتزی و تلاش‌هایش برای فائق آمدن بر فقدان در ساحت نمادین مهم‌ترین نمود حضور سوژه است. در واقع سوژه اگرچه نمی‌تواند به‌طور کامل خلأ پیش‌آمده برای خود را پر کند؛ اما به‌مثابه نوعی ساحت مقاومت حضور دارد.

1. logocentrisme

تلاش‌هایی می‌پردازد که انسان در آنها نقشی دارد. این شکل خاص روانکاوی در رویارویی با سوژه و نسبت آن با جامعه‌ای است که در آن قرار می‌گیرد؛ بنابراین این امکان فراهم می‌آید تا فهمی از چیستی امر سیاسی براساس یک نظرگاه روانکاوانه داشته باشیم.

این مقاله تأکید دارد که با کاربست روانکاوی در علوم سیاسی با نظر به عناصر مفهومی لاکان معبری برای مطالعات میان‌رشته‌ای گشوده می‌شود. ساحت خیالی لاکان و فرایند هویت‌یابی این دستاورد را برای پژوهشگر به همراه دارد که فردیت از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد؛ بلکه فردیت ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، در جهان غیرطبیعی نمادین که افراد هنگام تولد به درون آن پرتاب می‌شوند، معنا ناپایدار و مدام در حال جابه‌جایی است. از این رو نظم نمادین حکومت و فرایند انطباق هویت می‌تواند توضیح‌دهنده چرایی رویگردانی جامعه یا گروهی افراد نسبت به هویت غیر و یا پذیرش آن باشد. افزون‌براین، باورمندی به ساحت نمادین به پژوهشگر کمک خواهد کرد تا عناصر و نشانه‌های قدرت‌های ایدئولوژیک و سیاسی برای مطیع کردن سوژه‌ها را به صورت عمیق مورد مطالعه قرار دهد و صرفاً به نهادهای رسمی سیاست تکیه نکند.

ساحت واقع، تروما و فانتزی به پژوهشگر نشان می‌دهد که ناخودآگاه و میل بشری در بازنمایی‌ها نفوذ می‌کنند و حالت

پایداری از ناپایداری و اختلال پدید می‌آورند. دستاورد پیوند روانکاوی و علوم سیاسی در این قسمت در گشوده نگه‌داشتن فضای سیاسی و نپذیرفتن انسداد «ایدئولوژیک» است. اگرچه ایدئولوژی سوژه‌ها را به مانند اسیری در چنگال خود زندانی می‌کند تا بقای نظام سیاسی حفظ شود، اما تا زمانی که جامعه نیز به این اسارت تن دهد و ابدیتی برای آن وجود ندارد. نظام سیاسی/ایدئولوژی هنگامی موفق است که بتواند زمینه‌ساز انطباق هویت جامعه با ارزش‌های مورد نظر خود باشد و در لحظه شکست ایدئولوژی سوژه متولد خواهد شد.

بنابراین پژوهش در خصوص انقلاب را می‌توان به مسیری خلاف مسیر ساختارگرایان هدایت کرد تا بپذیریم که می‌توان انقلاب‌ها را ایجاد کرد. رابطه کلی سوژه و ساختار در اندیشه لاکان که می‌توان آن را جدال سوژه و اقتدار نام نهاد این دستاورد را در پی دارد که امکان حفظ و دفاع از دو مفهوم - ساختار و سوژه در چارچوب نظری منسجم و پیچیده‌ای فراهم می‌آید. از این رو، با مرکزیت زدایی از سوژه و قرار دادن آن در نظم نمادین، زبان و مجموعه‌ای از نشانه‌ها و سمبل‌ها درک عمیق‌تری از پدیده‌های سیاسی به دست می‌آید. این موارد نشان می‌دهد که نمی‌توان از گشایش‌های نظری و کاربردهای عملی روانکاوی لاکان در عرصه سیاسی به سهولت گذشت و باید سخن از نظریه سیاسی لاکانی به میان آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۹۳)، نوشته‌های پراکنده، تهران: نشر مرکز.
۲. استاوراکاکیس، یانیس (۱۳۹۴)، لاکان و امر سیاسی (مترجم: محمدعلی جعفری)، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۳. ایستوپ، آنتونی (۱۳۹۰)، ناخودآگاه (مترجم شیوا رویگریان)، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرکز.
۴. پاینده، حسین (۱۳۸۸)، «نقد شعر «زمستان» از منظر نظریه روانکاوی لاکان»، فصلنامه زبان و ادب پارسی، ش ۴۲، ص ۲۷-۴۶.
۵. پیرکلرو، ژان (۱۳۹۴)، واژگان لاکان (مترجم کرامت مؤللی)، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «روشنفکر ایرانی و معماری هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۲ (۵)، ص ۱۵۹-۱۷۶.
۷. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۶)، «روان‌کاوی و سیاست»، پژوهش علوم سیاسی، (۴)، ص ۱۹-۴۵.
۸. جانستون، ایدرین (۱۳۹۴)، ژاک لاکان (مترجم هیمن برین)، تهران: انتشارات ققنوس.
۹. خالقی دامغانی، احمد و حمید ملک‌زاده (۱۳۹۴)، «سیاست، پایداری و دولت؛ امر سیاسی و بنیان بینادذهنی آن»، فصلنامه دولت‌پژوهی، ۱ (۲)، ص ۱۳۶-۱۶۶.
۱۰. رایت، الیزابت (۱۳۹۵)، لاکان و پسا‌فمینیسم (مترجم محمود مقدس)، تهران: مهرگان خرد.
۱۱. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۵)، مشکله هویت ایرانیان امروز، ویراست دوم، تهران: نشر نی.
۱۲. ژیتک، اسلاوی (۱۳۸۴)، گزیده مقالات: نظریه، سیاست، دین (گزینش و ویرایش مراد فرهادپور، مازیار اسلامی و امید مهرگان)، تهران: گام نو.
۱۳. فاضلی، نعمت‌الله و فاطمه کوشکی (۱۳۹۵)، «رشته‌ای، بینا رشته‌ای و پسا رشته‌ای؛ تغییر الگوهای رشته‌ای در زبان‌شناسی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، ش ۱، ص ۱-۲۴.
۱۴. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). هویت (مترجم رحمن قهرمانپور). تهران: انتشارات روزنه.
۱۵. فینک، بروس (۱۳۹۷)، سوژه لاکانی (بین زبان و ژوئیسانس) (مترجم محمدعلی جعفری)، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۶. گرین، کیت و جیل لبیهان (۱۳۸۳)، درسنامه نظریه و نقد ادبی (مترجم گروه مترجمان)، تهران: نشر روزنگار.
۱۷. مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۹۳)، روش و نظریه در علوم سیاسی (مترجم امیرمحمد حاجی یوسفی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. مایرز، تونی (۱۳۹۱)، اسلاوی ژیتک (مترجم احسان نوروزی)، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
۱۹. مَلپس، سایمن و پاول ویک (۱۳۹۴)، درآمدی بر نظریه انتقادی (مترجم گلناز سرکار فرشی)، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. مؤللی، کرامت (۱۳۸۷)، مبانی روان‌کاوی فروید-لاکان، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
۲۱. مؤللی، کرامت (۱۳۸۸)، مقدماتی بر روانکاوی لاکان منطق و توپولوژی، تهران: نشر دانژه.
۲۲. مؤللی، کرامت (۱۳۹۸)، ذهن و زمان، تهران: نشر نی.
۲۳. نجف‌زاده، مهدی (۱۳۹۳)، «بازتاب منازعه هویتی در ابزارهای فرهنگی مطالعه اسکناس‌های ایرانی دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، دوره ۹، ش ۲، ص ۲۰۷-۲۳۷.
۲۴. وقفی‌پور، شهریار (۱۳۹۵)، نامه‌ها و ملاقات‌ها: لاکان بدون فروید، بادلوز، از دریدا و جویس، تهران: چترنگ.
۲۵. های، کالین (۱۳۹۲)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۲۶. هریس، روی (۱۳۸۱)، زبان، سوسور و ویتگنشتاین: چگونه می‌توان با واژه‌ها بازی کرد (مترجم اسماعیل فقیه)، تهران: نشر مرکز.
۲۷. هومر، شان (۱۳۹۴)، ژاک لاکان (مترجم محمدعلی جعفری و سیدمحمدابراهیم طاهایی)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ققنوس.

32. Lacan, Jacques (1998), *The Four Fundamental Concepts of Psycho-Analysis* (Jacques-Allen Miller, Ed.), (Alan Sheridan, Trans.) W. W. Norton & Company New York, London.
33. Lacan, Jacques (2005), *Écrits*, translated by Alan Sheridan with a foreword by Malcolm Bowie, this edition published in the Taylor & Francis e-Library.
34. Nobus, Dany (1998), *Key Concepts of Lacanian Psychoanalysis*, New York, Other Press; Reprint edition (December 17, 1998).
35. Tomsic, Samo, Zevnik, Andreja (2015), *Jacques Lacan: Between Psychoanalysis and Politics*, Routledge.
28. Chiesa, Lorenzo (2007), *Subjectivity and otherness: a philosophical reading of Lacan*. The MIT Press.
29. Davis, Walter A (2006), *Art and Politics: Psychoanalysis, Ideology, Theatre*. Pluto Press.
30. Frosh, Stephen (1999), *The Politics of Psychoanalysis: An Introduction to Freudian and Post-Freudian Theory*. Second edition, Macmillan Education UK.
31. Lacan, Jacques (1997), *The Seminar of Jacques Lacan: The Ethics of Psychoanalysis 1959-1960*, Edited by Jacques-Alain Miller; translated with notes by Dennis Porter, W. W. Norton & Company (July 17, 1997).

